



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۷/۲۱

## استرداد استقلال افغانستان

یادداشتی در مورد موضعگیری بعضی افراد در فیسبوک!

کی ها این روز را با تبریک گفتن و کی ها آنرا با تخریب کردن استقبال می کنند؟

در تاریخ هر مملکت روزی که کافه ملت برای استرداد استقلال و حفظ نوامیس ملی به پا برخیزد و خون خویش را بخاطر یک هدف والا بریزد، قابل تمجید و ارج گذاری است. صرف نظر از اینکه کی و از کدام قوم جامعه در رأس آن قرار داشته است.

در این ارتباط نظر به موضعگیری بعضی ها در شبکه فیسبوک چند سوال را مطرح می نمایم و به جواب آن میپردازم:

**سوال اول:**

آیا ۲۸ اسد ۱۲۹۸ مطابق 19 اگست 1919 نتیجه چنین قیام مردم بوده است؟  
بلی بدون شک.

شواهد تاریخی نشان می دهد که مردم افغانستان از هر قوم و ولایت، اعم از زن و مرد به خاطر شکستادن طلسم استعمار انگلیس به پا برخاستند. ثبوت این حقیقت نتیجه این جنگ است، ثبوت این حقیقت مجبوریست امپراطوری عظیم انگلیس برای شناسایی استقلال سیاسی افغانستان، به حیث اولین حلقه در زنجیر دراز استعمار انگلیس میباشد. ثبوت این حقیقت موجودیت 28 اسد می باشد. اگر این روز نتیجه به پاخیزی همه مردم افغانستان نبود، آیا افغانستان فقیر با داشتن اسلحه کم و از مود افتاده در مقابل بزرگترین قدرت زمان با اسلحه مدرن و وافر میتوانست شجاعانه بایستد و موفقانه بایستد و تا حصول استقلال بایستد؟

هر عقل سلیم و فارغ از دغدغه های قومی و سیاسی میتواند برای این سوال فقط یک جواب را بیابد که آن عبارت است از:

هرگز نه!

تاریخ گواه آن است که در این قیام به رهبری شاه امان الله غازی اراده و عمل جانبازانه تمام مردم از هر قوم افغانستان شامل بود.

**سوال دوم:** در مورد ملی بودن و فرا قومی بودن شخصیت امان الله خان میباشد.

شخصی که در زیر ریش استعمار انگلیس ملت افغانستان را برای جهاد نهایی بر ضد آنها سازماندهی نمود، آیا میتواند شخصیت یک بعدی بوده باشد؟ هرگاه امان الله خان فرا قومی نمی اندیشید، آیا مردم افغانستان به وی اعتماد می کردند؟ آیا در این جنگ نابرابر در عقب وی صف می کشیدند و خون خویش را فدای وطن می کردند؟ باز هم جواب چنین است:

هرگز نه!

پس سوال پیدا میشود که چرا یک عده این روز را تخریب می نمایند؟ آیا اینها واقعاً با آزادی سیاسی افغانستان در آن زمان مخالفت دارند؟

بر مبنای بررسی ام درطول دو، سه سال اخیر در فیسبوک اشخاصی که کارکرد های شاه امان الله را تخریب می نمایند، و وی را بعضاً مربوط به یک قوم معرفی می کنند، تا آن جایی که حتی استرداد استقلال کشور را هم منفی جلوه می دهند. اساساً این اشخاص شامل سه گروه میباشد:

**گروه اول-** کسانی اند که معتقد به مبارزه ملی نه، بلکه در گیر مبارزه قومی اند بعضی با دین برخی هم بی دین. آنهایی اند که می خواهند بلوای امیرحبيب الله کلکانی را در سال 1929 در مقابل امان الله خان، این شاه ترقی خواه رنگ قومی ببخشند تا این عمل وی را مشروعیت بدهند و روی این تراژیدی تاریخی را با آبی به نام «رد کردن تمام

کار های میهنی شاه امان الله» بشویند. و الا بلواگران باید نفرین مردم افغانستان را تا ابد به دوش بکشند، که چنین هم خواهد ماند.

و **گروپ دوم** کسانی اند که از جانب خارجی ها به شکستادن روحیه استقلال خواهی و از بین بردن اتفاق مردم حتی در برابر این بزرگترین دست آورد مشترک مردم افغانستان، مؤظف اند.

و **گروپ سومی** کسانی اند که برای دل خوش ساختن دوست های فیسبوکی شان لایک می گذارند. برای رد افکار خصمانه در مقابل این بزرگترین دستاورد مشترک مردم افغانستان باید دوباره به حافظه تاریخ مراجعه کرد:

نخست اینکه انگیزه بلوا بر ضد امان الله خان به صورت قطع جنبه قومی نداشت، بلکه ریشه ارتجاعی در نقاب مذهبی را دارا بود. اسناد تاریخی گواه اند و هم تاریخ زنده افغانستان که سینه به سینه روایت شده و خودم از زبان پدرکلانهایم که در جنگ اشتراک داشتند، شنیده ام که عقب گرایان فناتیک با حمایت استعمار انگلیس که بر ضد ریفورم های شاه امان الله خان قیام را سازماندهی کردند، زیر تاثیر موعظه های (لارنس های) انگلیس قرار داشتند، لارنس- انگلیس کافریکه بیست سال متواتر در معتبر ترین مسجد مسلمانان در پایتخت کشور امامت کرد و در اخیر هم نامه را از خود بجا گذاشت که مقتدیانش باید نماز های بیست ساله را از سر بخوانند، زیرا که به امامت یک کافر انجام شده است. انگلیسها توانستند مردم را با فوتو شا پ های عکس ملکه ثریا و تبلیغات پیر بغدادی که خودش انگلیس بود، ملای لنگ و امثالهم به نام مذهب بر ضد شاه امان الله تحریک نمایند. زیرا انگلیسها درک نموده بودند که احساسات مذهبی همان نقطه ضعیف پاشنه اکیلیس مردم افغانستان است. و باید به یاد داشت که در این مخالفت مذهبی بر ضد شاه امان الله اشخاصی از اقوام مختلف شامل بودند. یعنی محیط فکری برای سرنگونی دولت امانی از طرف انگلیسها با تبلیغات مذهبی آماده گردیده بود که باعث سقوط شاه امان الله و برقراری دولت چند ماهه حبیب الله کلکانی و بالاخره استقرار مهره اصلی آنها گردید.

لقب شاهانه حبیب الله با جنبه مذهبی آن یعنی «امیر حبیب الله خادم دین رسول الله» نیز نمایندگی از صبغه مذهبی شورش آن زمان می کند، نه از شورش قومی.

**دوم:** روایت است که حتی شخص حبیب الله کلکانی دریشی غازی امان الله را در الماری عقب چوکی خویش نگهداشته بود و هر صبح اول در مقابل آن می ایستاد و در مقابل آن سلامی میزد. از این و روایات دیگر به خوبی معلوم میشود که وی خود هم به بزرگی این شاه استعمار شکن احترام داشت.

پس ببانید که این جال جدید فریب دشمنان را بدریم و این روز خجسته را که حاصل خونریزی نیاکان ما اعم از تاجک، پشتون، ازبک، هزاره، ایماق، بلوچ و دیگران است، گرامی بداریم و این امانت مقدس تاریخی را برای نسل های آینده به سلامت بسپاریم.